

بازشناسی تقابل‌های دوگانه‌ی فضای شهری جنسیتی، مبتنی بر رویکرد نشانه‌شناسی - تحلیلی بر فضای عمومی در محلات سنتی

Redefining the Binary Oppositions of Gendered Urban Space Based on Semeiotics Approach -An Analysis to the Public Space of Traditional Neighborhood

مریم محمدی (نویسنده مسئول)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۰۴

چکیده

فضای عمومی شهری، باید عرصه‌ای همه‌شمول باشد. علی‌رغم این موضوع، همواره مواردی وجود داشته که فضای شهری نتوانسته است به این مهم دست یابد. در این میان اگر زنان به‌عنوان نمونه‌ای از گروه‌های اجتماعی، حضورشان در فضا کاهش یابد، فضای شهری، به فضایی جنسیتی تبدیل می‌شود. براین اساس این مقاله، با طرح مسئله‌ی فضای جنسیتی، بر آن است تا ابعاد فضای جنسیتی را در محلات تبیین نماید. پیش‌فرض مقاله‌ی حاضر، تأثیرگذاری شکل‌گیری فضاهای جنسیتی در محلات (که مهم‌ترین بستر حضور و فعالیت زنان هستند) بر کاهش حضور و فعالیت زنان و شکل‌گیری هویت جنسیتی زنان به عنوان یک زن سنتی است. در این نوشتار برای بررسی فضای جنسیتی، از نشانه‌شناسی ساختارگرا و پساساختارگرا استفاده شده است. نمونه‌ی موردی به‌منظور بررسی بازنمایی رابطه‌ی فضا و جنسیت، نمونه‌ای از فضاهای محله‌ای سنتی در تهران- میدان امام‌زاده علی‌اکبر در محله‌ی چیدر- بوده است که در قالب روش تحقیق نشانه‌شناسی دال‌ها، مدلول‌ها و انواع رمزگان‌ها از خلال بررسی واحد تحلیل که در اینجا روایت‌های ۳۰ زن از فضای محله‌ای است شناسایی شده‌اند. بررسی‌ها حاکی از آن است که عملکرد جنسیتی و نمایش عملکرد فضا، دو عامل عمده در ایجاد فضای جنسیتی هستند که تصرف فضایی، زمانی و فعالیتی-رفتاری را جنسیتی می‌کنند. بدین ترتیب فضای خانه به‌عنوان فضای درون، به فضای امن زنانه و فضای بیرون به فضای مردانه تبدیل شده است. این امر بدین معنی است که نگرش زنان به هویت خویش (در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی)، ناشی از فضای جنسیتی و ایدئولوژی و اسطوره‌سازی، به مثابه‌ی یک زن مذهبی است. نتایج بررسی‌ها همچنین نشان داد، رمزگان‌های کالبدی و فعالیتی در فضا (عملکرد جنسیتی فضا)، تحت تأثیر رمزگان اجتماعی - فرهنگی (نمایش عملکرد فضا) در ایجاد فضای نامطلوب برای زنان تأثیر داشته است. به استناد تحلیل روایت‌های زنان، فضای جنسیتی در مقیاس محله، فضایی غیرپاسخده، نامن، غیرپذیرنده، نامطلوب، مردانه و ناخوشایند است.

واژه‌های کلیدی:

نشانداری، فضای جنسیتی، هویت جنسیتی، رمزگان، روایت، محله‌ی سنتی.

۱- مقدمه

در تعریف فضای شهری در ادبیات شهرسازی چنین آمده است، فضای باز، عمومی و واجد تعاملات اجتماعی (پاکزاد، ۱۳۹۱: د). بدین ترتیب امکان حضور همه‌ی گروه‌ها و مشمولیت‌پذیر بودن فضاها، یکی از الزامات فضاهای شهری است. بررسی کلی فضاهای شهری حاکی از این موضوع است که در نمونه‌های بسیاری از فضاهای شهری، حضور برخی از گروه‌ها در فضاها کاهش یافته و به حاشیه رانده شده‌اند. اگر بخواهیم این کاهش حضور زنان در متن فضا را از منظر علم نشانه‌شناسی بیان نماییم، می‌توان بیان نمود که فضا به واسطه‌ی رمزگان جنسیت، نشان‌دار شده است. به این معنی که جنسیت، عاملی است که به واسطه‌ی آن متن فضا، واجد ویژگی‌های متمایز شونده می‌گردد. نشان‌داری فضای شهری، نمودهایی متعدد را در پی دارد و فضای نشان‌دار به واسطه‌ی جنسیت، مترتب بر ویژگی‌های خاص است.

بررسی پژوهش‌های انجام شده در رابطه با مقوله‌ی فضای جنسیتی نشان می‌دهد که بسیاری از پژوهش‌های این حوزه در رشته‌های انسان‌شناسی، جغرافیا، جامعه‌شناسی و با رویکردهای فمینیستی (رویکرد برابری جنسیتی)؛ و یا رویکردهای روان‌شناختی و هویتی (هویت جنسیتی)، انجام شده‌اند. در عین حال روش‌های جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها بیشتر مبتنی بر نظریه‌های رفتارگرایی، رویکردهای انتقادی - اجتماعی و... بوده است و عموماً از روش‌های مرسوم پرسشگری، مشاهده و مصاحبه در مرحله‌ی جمع‌آوری داده، استفاده شده است و تحلیل‌ها مبتنی بر تحلیل‌های کمی (در موارد متعدد) و یا کیفی بوده است. براساس بررسی انجام شده توسط نگارنده، تحلیل فضای جنسیتی، منطبق بر رویکرد نشانه‌شناسی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است (هرچند از دید برخی از نظریه‌پردازان که در ادامه آورده می‌شود، فضا به‌عنوان سیستمی از نشانه‌ها و کدها مورد توجه قرار گرفته است). در عین حال در نمونه‌هایی از پژوهش‌های انجام شده در حیطه‌ی رسانه، مقوله‌ی هویت جنسیتی از منظر نشانه‌شناسی تحلیل شده است. البته لازم به ذکر است که در پژوهش‌های این حوزه نیز، بر مقوله‌ی نشان‌داری در تحلیل هویت جنسیتی تأکید نشده است. بنابراین، نوآوری پژوهش حاضر از حیث بررسی و بازشناسی ابعاد فضای جنسیتی، مبتنی بر رویکرد نشانه‌شناختی است.

۲- روش و متدولوژی تحقیق

پژوهش حاضر، تحقیقی کیفی است. از آنجا که روش تحقیق کیفی در پی کشف و آشکار کردن و در نهایت امر

شرح یک مکان، یک فرآیند، یک گروه اجتماعی و یا ارائه الگویی از روابط متقابل بین افراد است (مارشال و راس من، ۱۳۸۱: ۱۹۷)، این پژوهش مبتنی بر روش تحلیل محتوای کیفی، فضای شهری / جنسیتی و الگوی ارتباطی جنسیت‌ها در فضای محله‌ای (هویت جنسیتی) را مورد کنکاش قرار داده است. در عین حال از روش نشانه‌شناسانه در تحلیل فضای جنسیتی بهره برده است. در عین حال، از میان انواع رویکردهای مطرح در نشانه‌شناسی، از آنجا که نشانه‌شناسی ساختارگرا، ارتباط بسیاری با ساختار ارزش‌های جامعه دارد (فیسک و هارتلی، ۲۰۰۳: ۲۴ به نقل از رضایی و افشار، ۱۳۸۹: ۸۱) و در عین حال روش‌های مطلوبی برای بررسی در اختیار محقق قرار می‌دهد، لذا رویکردی مطلوب در بررسی فضای جنسیتی بوده است. به عبارتی استفاده از مفهوم نشان‌داری در نشانه‌شناسی ساختارگرا و بهره‌گیری از الگوی سلسله مراتبی آن، چارچوبی مطلوبی برای شناسایی انواع تقابل‌ها و نشان‌داری‌ها ایجاد می‌کند.

در عین حال به منظور بررسی ابعاد فضای جنسیتی در مقیاس محله در بررسی نمونه‌ی موردی پژوهش، تحلیل روایت زنان، مبتنی بر روش تحلیل روایت رولان بارت (شناسایی انواع رمزگان‌های هرمونیک، کنشی، نمادین، فرهنگی و معنایی) که روشی پس‌اساختارگرایانه است، مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین در ابتدا مبتنی بر شیوه‌ی مصاحبه، روایت زنان از نحوه‌ی حضور در فضای محله‌ای سنتی جمع‌آوری شده و سپس روایت‌ها تحلیل خواهند شد. در واقع واحدهای تحلیل در این پژوهش کیفی، روایت زنان مشارکت‌کننده در پژوهش بوده است. ماحصل این بررسی، ضمن بررسی تقابل‌های دوگانه‌ی فضای جنسیتی، هویت جنسیتی زنان را تبیین می‌کند.

۳- مبانی نظری پژوهش

۳-۱- دوگانه‌ی فضای شهری / فضای جنسیتی

در ابتدا لازم است تا مفهوم فضای جنسیتی در مقابل مفهوم فضای شهری تبیین شود و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فضای جنسیتی مشخص گردد. در تعاریف متعددی که از فضای شهری ارائه شده است، ضمن پذیرش رابطه‌ی دوسویه میان فضا و رفتار (فضای نسبی) (مدنی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۵)، فضا به مثابه‌ی بستری عمومی تعریف شده است. در عین حال در ادبیات نظری طراحی شهری، ویژگی‌های متعددی برای یک فضای شهری مطلوب ارائه شده است، اما تأکید بر برخی از معیارهای مشترک چون راحتی، تصویرپذیری، در دسترس بودن، قابلیت استفاده و اجتماع‌پذیری (www.PPS.org) در

تقویت می‌شود. لفور در کتاب جریان‌ساز "تولید فضا" استدلال می‌کند که الگوهای فضایی، ثابت و مطلق نیستند بلکه توسط سیستم‌های اجتماعی-اقتصادی مسلط و افرادی که قدرت سیاسی دارند، شکل گرفته‌اند (Doan, 2010 به نقل از کامل، ۱۳۹۵).

- **پیشینه‌ی تاریخی توجه به فضای جنسیتی:** نخستین توجهات به وضعیت زنان در شهر در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ از سوی برنامه‌ریزان و جغرافی‌دانان فمینیست مطرح شد (کامل، ۱۳۹۵). اما مفهوم فضای جنسیتی برای اولین بار در دهه‌ی ۹۰ میلادی توسط جغرافی‌دانان فمینیستی مانند مسی، رز، اسپاین، لیندمن و دیگران مطرح گردید که نگرشی فرهنگی و انتقادی در زمینه‌ی علم جغرافیا بود. در ادامه به منظور بررسی پیشینه‌ی بحث، برخی از مهم‌ترین نظریه‌پردازانی که در رابطه با این مقوله، نظریه‌پردازی نموده‌اند، بررسی می‌شوند. بررسی آراء نظریه‌پردازان این حوزه نشان می‌دهد، فضای جنسیتی زمینه‌ی کاهش دسترسی به فضای بیرون، محدودیت در مدیریت بدن، محدودیت در اشتغال و به‌دست آوردن پایگاه اجتماعی و... را دارد. به این ترتیب در ابعاد مختلف اجتماعی، خانوادگی و فردی هویت زن برساخته می‌شود. این هویت منتج از نگاه به زن است که عمدتاً نگاهی جنسی و مفعولی است.

کنار توجه به ابعاد سه‌گانه‌ی فرم، فعالیت و معنا به عنوان عوامل مهم در خلق فضای مطلوب برشمرده شده‌اند (Montgomery, 1998; Punter, 1991; Canter, 1977). در این میان آرنت، دیویدف و همکارانش و ایکه گامی، بر این اعتقاد هستند که میزان دسترسی همه‌ی مردم به عرصه‌های عمومی از هم متفاوت است و زنان از جمله اقشاری هستند که محدودیت دسترسی دارند (لاندز، ۱۹۹۸: ۳۸ به نقل از غیاثوند، ۱۳۹۳: ۸۶)، لذا عرصه‌های عمومی جنسیتی هستند. حال باید به این پرسش پاسخ داد که فضای جنسیتی به چه معنا است و مهم‌ترین ویژگی آن چیست؟

- **مفهوم فضای جنسیتی:** فضای شهری با تسلط یک جنس، به‌عنوان یک فضای شهری جنسیتی تعریف می‌شود (گلی، زاد ولی خواجه و زاد ولی، ۱۳۹۲: ۱۷۹). این فضا، مکانیزم‌های طردی را در بر می‌گیرد که محدودیت‌هایی را برای حضور زنان ایجاد می‌کند (کامل، ۱۳۹۵). در واقع اگرچه فضا به خودی خود جنسیت ندارد (مسی، ۱۹۹۴: ۱۷۹)، اما مکان‌ها و فضاها می‌توانند حامل نشانه‌ها، کدها و حتی جایگاه‌های متفاوتی برای زنان و مردان باشند. اما فضاهای جنسیتی شده مفهومی عمیق‌تر و پیچیده‌تر از نشانه‌ها و کدهای مستور در کالبد شهر دارد. فضاهای جنسیتی در خلاء به‌وجود نمی‌آیند، بلکه فضاهای جنسیتی به واسطه‌ی جریان مسلط نهاد‌های اجتماعی و فرهنگی

Table 1: historical-analytical investigation of the Researcher's viewpoint about gendered space

Theorists of Gendered Space	Main Issue	Criteria of Gendered Space	Regard to woman	Individual or social dimensions of women identity
Daphne Spain, 1992	Influence of power as a cultural norm and its impact on formation of gendered space (influence of different attitude to the women and men responsibilities and their accessibility to the space and social position) (Ali Naghian, 1395)	More access to the space for men; More access to the high social position	Women in low level job	Social/ Individual
Rose, 1993	Paradoxical space (Emphasis on gender differences in subjectivism structure) and its impact on men's regard and their control of women's Seductive body (Ali Naghian, 1395)	Control of men on women's body and decreasing women presence in space (insecurity of space for women); Ownership of space by men	Control based regard; Passive based regard	Social
Messy, 1994	Influence of gendered space on access restriction as a result of violence (Ali Naghian, 1395)	Access restriction for women; Insecurity of space for women	Control based regard	Social
Lindeman, 1996 Grandis, 2009	Gendered space as a semiotic system (the appropriate places for genders are coded with certain signs and symbols) (Ali Naghian, 1395)	-	-	Social

Liz Bondi	Emphasis on the comparison between bodies and the discourse of women's incarnation which transform the private space to a secure realm for women (Ali Naghian, 1395)	Control of men on women's body and decreasing women presence in space (insecurity of space for women)	Woman belongs to the home	Social/ Familial/ Individual
Castells	Gender inequality is due to the economic superiority of men on women (Arshiha & Modiri, 1390: 123 Quoted by Tonkiss, 1388: 169)	Men have a high socioeconomic position	Women in low level job	Social
Cuthbert, 2006	Gender inequality relates to the social status of users in the workplace and in society. The city's structure is based on patriarchal expectations (Arshiha & Modiri, 1390: 123)	Women's limitation for choosing and doing some masculine jobs; Lack of planning consideration to the women and men needs	Women in low level job; Ownership of space by men	Social/ Individual
Wellman, 2009	Geography of fear in the sense of the inability of women to leave the familiar space (home) and entering the places in the city because of the insecure feeling and reluctance for participating in activities and occupations (Ali Naghian, 1395)	Insecurity of outdoor space for women; Women limitation in doing some occupation	Women in low level job; Woman belongs to the home	Social/ Familial
Liz Bondi, Doreen Massey, Linda McDowell, Gillian Rose	Space allocation by women is the basis for the formation of their social position (Ali Naghian, 1395 Quoted by Rendell, 2000)	Restriction of space and jobs allocation for women	Women in low level job; Woman belongs to the home	Social/ Familial

جنسیتی را شناسایی نماید و در گام بعد در بررسی نمونه‌ی موردی، ابعاد فضای جنسیتی را به بوتنه‌ی آزمایش گذارد.

۳-۲- نشانه‌شناسی رویکردی در تحلیل متن فضای جنسیتی همان‌طور که بیان گردید، هدف نوشتار بررسی فضای جنسیتی با رویکرد نشانه‌شناختی است. به‌صورت کلی نشانه‌شناسی، به‌عنوان یکی از روش‌های تحلیل متن است و به دنبال تحلیل متون در حکم کلیت‌های ساخت‌مند و در جست‌وجوی معناهای پنهان و ضمنی است. از دید چندلر، مطالعات نشانه‌شناختی بر نظام قواعدی که بر گفتمان‌های^۱ درگیر در متون حاکم هستند، تمرکز دارد و به نقش بافت نشانه‌شناختی در شکل‌دهی معنا^۲ تأکید می‌کند (چندلر، ۱۳۸۶: ۲۵). در ادامه تعریفی از نشانه و توجه اصلی نشانه‌شناسی ارائه می‌شود. گیرو (۱۳۸۰: ۳۹) نشانه را محرک یا جوهر محسوسی می‌داند که تصویر آن در ذهن ما با تصویر ذهنی محرک دیگر، تداعی می‌شود. کارکرد محرک نخستین، برانگیختن محرک دوم با هدف برقراری ارتباط است (ترکاشوند و مجیدی، ۱۳۹۲: ۷). بودریار (۲۰۰۵: ۶۷) نقلی از جان فیسک و جان هارتلی در خصوص توجه اصلی نشانه‌شناسی می‌آورد. به این اعتبار توجه اصلی این علم معطوف است به نسبت میان نشانه و معنای آن و روشی که در آن نشانه‌ها با هم ترکیب می‌شوند و صورت رمز به خود

- مهم‌ترین ویژگی فضای جنسیتی: اساسی‌ترین بازنمایی فضای جنسیتی، ظهور حوزه‌های مجزا و ایجاد یک سیستم تقابلی و سلسله مراتبی است که قلمرو عمومی را از قلمرو خصوصی جدا می‌کند (فرانک، ۱۳۹۰: ۹۹). در این فضاها، دوگانه‌های فضایی‌ای وجود دارد که با دوگانه‌های مطالعات جنسیت همسانی دارند. از این میان عرصه‌ی عمومی- خصوصی شاخص‌ترین آنهاست. عرصه‌ی عمومی مردانه و منشاء تهدید و تجاوز پنداشته می‌شود و عرصه‌ی خصوصی فضای امن خانه تلقی می‌شود (کامل، ۱۳۹۵).

به منظور بررسی و تحلیل ابعاد چنین فضاهایی، می‌توان از رویکردهای مختلفی بهره برد و شاخص‌ها و معیارهای چنین فضاهایی را بازشناسی نمود. برای مثال همان‌طور که در جدول پیشینه ارائه شد، می‌توان با توجه به معیارهای شکل دهنده‌ی فضای جنسیتی، از روش‌های مختلف استفاده نمود. این نوشتار بر آن است تا مفهوم و مضمون چنین فضاهایی را در قالب رویکرد نشانه‌شناسی بررسی نماید، همان‌طور که لیندمن و گراندس نیز معتقد هستند، فضای جنسیتی، نظامی از کدها و نشانه‌های جنسیتی را در بر دارد. بر این اساس این پژوهش بر آن است تا از خلال ادبیات موضوع و رویکرد نشانه‌شناسی، ابعاد شکل‌دهنده به فضای

تمایز، به واسطه‌ی نداشتن یک ویژگی در یک عنصر یا یک نشانه (نشانداری)، ایجاد می‌شوند.

ب) نشانداری^۴ و انواع آن: یکی دیگر از مفاهیم اصلی نشانه‌شناسی، مفهوم نشانداری است. لازم به ذکر است که مبحث نشانداری، ابتدا در واج‌شناسی مطرح شد و توانست به عنوان یکی از راه‌های تشخیص و پیش‌بینی در فونولوژی مورد استفاده قرار گیرد. مسئله‌ی نشانداری در مباحث گرامری، لغت‌شناسی و معناشناسی هم کاربردهای فراوانی دارد. این مفهوم اولین بار توسط نیکلای تروبتسکوی (۱۹۳۹) در مکتب پراگ برای واج‌شناسی مطرح شد و بحث درباره‌ی توزیع واج‌ها بررسی گردید و به تدریج در دیگر سطوح زبان، از جمله معناشناسی نیز مورد بحث قرار گرفت. نشانداری یک مفهوم زبان‌شناختی است که با کمک آن می‌توان کاربرد کم یا زیاد برخی ساخت‌ها یا مقوله‌های زبانی و وجود برخی محدودیت‌ها در کاربرد آنها را توجیه کرد. اساساً مقوله‌های بی‌نشان، طبیعی‌تر در نزد اهل زبان و قاعده‌مندتر هستند، درحالی که مقوله‌های نشاندار، استثنایی‌تر هستند و نیاز به آموزش بیشتری دارند (دبیرمقدم، ۱۳۸۸).

لاینز (۱۹۷۷) سه نوع نشانداری را بیان می‌کند (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۲۳). لازم به ذکر است که انواع نشانداری نه تنها در ارتباط با واژه‌ها، بلکه در ارتباط با نشانه و متن نیز کاربرد دارد.

نشانداری صوری: در این نوع، یکی از واژه‌ها به صورت صوری، در ظاهر، نشان‌دار است. برای نمونه واژه‌ی معلم نسبت به واژه‌ی خانم معلم (واژه متقابل خود) بی‌نشان است. واژه‌ی بی‌نشان از توزیع وسیع‌تری برخوردار است و کاربرد آن نسبت به صورت متقابل خود، خنثی است. این مورد نوع نشانداری، با عنوان نشانداری توزیعی شناخته می‌شود. **نشانداری توزیعی:** همان‌طور که گفته شد، در جفت‌های متقابل، کلمه‌ای که از توزیع وسیع‌تری و بسامد استفاده‌ی بیشتری برخوردار است، بی‌نشان‌تر از کلمه‌ی متقابل خود می‌باشد، بدون اینکه عامل نشانداری به صورتی صوری در ساخت کلمه آورده شده باشد. **نشانداری معنایی:** در این نوع نشانداری، واژه‌ی بی‌نشان به گونه‌ای معنای واژه‌ی نشاندار را در بر می‌گیرد. معمولاً در این نوع از نشانداری، واژه فی‌الفسه خنثایی نیست، بلکه بسامد وقوع آن در ذهن سخنگوی زبان، نوعی تمایز از پیش انگاشته را به همراه دارد.

- **نشانداری و تقابل‌های دوگانه:** براساس تعریفی که از مفهوم نشانداری آمد، موضوع تقابل‌های دوگانه که

می‌گیرند (سامانیان و بهمنی، ۱۳۸۹: ۳۹). نشانه‌شناسی به دو مکتب اصلی فکری ساخت‌گرا و پساساخت‌گرا تقسیم می‌شود.

این نوشتار توأمان از هر دو رویکرد ساختارگرایی و پساساختارگرایی بهره می‌گیرد. به عبارتی به استناد برخی از مفاهیم نشانه‌شناسی ساختارگرا، ابعاد دوگانه‌ی فضای جنسیتی شناسایی می‌شود و در ادامه مبتنی بر رویکردهای پساساختارگرا، تأثیرگذاری بافتار اجتماعی- فرهنگی (نمایش عملکرد فضا) بر رابطه‌ی دال و مدلول بازشناسی می‌شود.

۳-۲-۱- مفاهیم مورد استفاده در تحلیل فضای جنسیتی در چارچوب رویکرد نشانه‌شناسی ساختارگرا

همان‌طور که پیش از این در تبیین ویژگی‌های فضای جنسیتی بیان شد، یکی از نمودهای مهم فضای جنسیتی، ظهور یک سیستم تقابلی و سلسله مراتبی است که منجر به ایجاد حوزه‌های مجزا می‌شود. بر این اساس بدون شک نشانه‌شناسی ساختارگرا و مفاهیم آن می‌تواند در تحلیل این سیستم تقابلی راهگشا باشند.

الف) تقابل‌های دوگانه: به طور کلی ساختارگرایی به آثار منفرد علاقه‌ای ندارد و توجه اصلی آن به ساختارها است. اگر ساختارگرایان آثار منفرد را بررسی می‌کنند هدفشان، تفسیر آن متون و ارزش‌گذاری آنها و تقسیم آنها به متون خوب و بد نیست، بلکه از طریق مطالعه‌ی بسیار متون منفرد در جستجوی یافتن نظام ساختاری بنیادین هستند (سجودی، ۱۳۸۸: ۱۱۴). در میان مفاهیم متعددی که ساختارگرایان مورد توجه قرار می‌دهند، مفهوم "تقابل‌های دوگانه"^۳ جایگاهی ویژه دارد. این مفهوم در زبان‌شناسی ساختارگرای فردینان دو سوسور ریشه دارد. به باور وی، تقابل‌های دوگانه ابزاری هستند که به یاری آن‌ها، واحدهای زبان ارزش و معنا می‌یابند و هر واحد در تقابل با واحدی که حضور ندارد، تعریف می‌شود (چندلر، ۱۳۸۶: ۱۵۸). با جانشینی واج‌ها، واژه‌ها به ساختار واجی دیگری تبدیل می‌شود و معنا و مفهومی متفاوت می‌یابد. سوسور حتی فراتر رفته و بیان داشته است: "هر مفهوم براساس تفاوت در نظامی از تضاد و تقابل، معنا می‌یابد. به طور مشابه، پایه و اساس کاربرد روزانه‌ی زبان، همین نظام تقابل‌هاست (صفوی، ۱۳۸۰)". همان‌طور که در ادامه آورده می‌شود، به منظور بررسی تبیین مفهوم تقابل‌های دوگانه می‌توان از واژه‌ی "نشانداری و بی‌نشان" استفاده کرد. به عبارتی این تقابل‌ها یا جفت‌های

مستتر در دال‌های گوناگون کشف می‌شوند. واحدهای خوانش، انواع رمزگان‌ها را شکل می‌دهند، که از نظر بارت این رمزگان‌ها مشتمل بر انواع: رمزگان هرمونیتیکی^۹، پروآیتریک (کنشی)^{۱۰}، رمزگان معنایی^{۱۱}، رمزگان نمادین^{۱۲} و رمزگان فرهنگی^{۱۳} هستند.

دو دسته‌ی اول، به شیوه‌هایی مربوط هستند که خود روایت یا متن از آن طریق آفریده می‌شود و بیانگر فرم روایی یک روایت هستند. سایر رمزگان‌ها از مجموعه‌ی حوادث و منطق روایی داستان فراتر می‌روند و برای ادراک معانی ضمنی یک متن کاربرد دارند (صفیئی و سلامی، ۱۳۹۰). هاوکس (۱۹۹۷)، رمزگان هرمونیتیکی را در ارتباط با واحدهایی می‌داند که نقش‌شان به طرح پرسش بر می‌گردد. در واقع این رمزگان‌ها، همان رمزگان‌های داستان‌گویی یا چیستانی هستند که به واسطه‌ی آن در روایت پرسش‌هایی مطرح می‌رود و سرانجام پاسخ داده می‌شود (به نقل از سجودی، ۱۳۸۷: ۱۵۴). بنابراین یک روایت شامل یک معمای اساسی و کلی و نیز تعدادی معماهای جزئی است. رمزگان پرو آیرتیک، معطوف به کنش‌ها و اثرات آنها است که کل روایت را پیش می‌برد. رمزگان نمادین، مجموعه‌ای از جفت‌های متضاد دو قطبی را شکل می‌دهد. رمزگان فرهنگی، که رمزگان ارجاعی نیز نامیده می‌شود (آلن، ۱۳۸۵: ۱۳۸)، در واقع با سامان‌دهی بافتار خاص فرهنگی - اجتماعی، به درک معنای سایر رمزگان‌ها و معناکاوای منجر می‌شود. رمزگان معنایی، دال‌هایی را در بر می‌گیرد، که دلالت‌های ضمنی را در بردارند (صفیئی و سلامی، ۱۳۹۰). در واقع برای شناسایی دلالت‌های ضمنی یا پنهان، نشانه‌شناس در پی کشف ایدئولوژی از نشانه‌ها بر می‌آید. در واقع از دید بارت، نشانه‌های داخل در محدوده‌ی فرهنگ هرگز معصوم نیستند، بلکه در شبکه‌های پیچیده‌ی بازتولید ایدئولوژیکی گرفتار هستند (کوثری، عزیزی و عزیزی، ۱۳۹۳: ۱۹۳).

۴- شناسایی ابعاد فضای جنسیتی با بهره‌گیری از

رویکرد نشانه‌شناختی

در این بخش با استناد به رویکرد نشانه‌شناسی که پیش از این شرح داده شد، ادبیات نظری مطرح در رابطه با فضای جنسیتی را مورد بررسی قرار خواهیم داد. به این ترتیب در ابتدا جنسیت به‌عنوان رمزگان فرهنگی (در قالب رویکرد پساساختارگرایی) مطرح می‌شود و تبیین می‌گردد که مقوله‌ی جنسیت و هویت جنسیتی، امری برساخته هستند. در ادامه از خلال بررسی مبانی نظری مطرح در رابطه با جایگاه زنان در فضای شهری با رویکردی ساختارگرا (با مد

اساس تحلیل در زبان‌شناسی ساختاری و نشانه‌شناسی ساختارگرا هستند، مورد توجه قرار می‌گیرد. در واقع تقابل‌های دوگانه، به عنوان یکی از مولفه‌های اساسی ساختارگرایی تلاش دارد تا همه چیز از جمله نظام زبان، نظام‌های اجتماعی، نشانه‌ای و تصاویر را براساس قطب‌های متقابل موجود در آن‌ها بررسی کند. بسیاری از نظریه‌پردازان ساختارگرا به تعریف و تشریح تقابل‌های دوگانه پرداخته و آن را بن‌مایه‌ی اصلی کسب شناخت و آگاهی‌های انسان به شمار آورده‌اند.

۳-۲- مفاهیم مورد استفاده در تحلیل فضای جنسیتی در

چارچوب رویکرد نشانه‌شناسی پساساختارگرا

در زبان‌شناسی سوسوری "دال" تصور صوتی است و "مدلول" مفهومی که دال به آن دلالت می‌کند یا تصور مفهومی. نشانه کلیتی است ناشی از پیوند بین دال و مدلول (سوسور، ۱۳۷۸: ۹۶). در واقع در الگوی سوسوری که الگوی ساختارگرا است، رابطه‌ی دال و مدلول رابطه‌ای مشخص است و بنابراین دلالت‌ها تحت تأثیر بافتار اجتماعی و فرهنگی نیستند؛ این امر نقطه‌ی تمایز نشانه‌شناسی ساختارگرا و پساساختارگرا است. به این معنی که پساساختارگرایی رابطه‌ی دال و مدلول را غیرمستقیم تبیین می‌کند و بنابراین دلالت‌ها ثابت نبوده و پویا هستند. به عبارت دیگر نشانه‌شناسی ساختارگرا، در قالب نظام رمزگانی^۵ طبیعی، معانی صریح را بازایی می‌کند و رویکرد پساساختارگرایی، در پی کشف معانی ضمنی است. بر این اساس در تحلیل فضای جنسیتی و هویت جنسیتی، با پذیرش تأثیرگذاری ایدئولوژی و هنجارهای فرهنگی - اجتماعی بر تولید این فضاها، نمی‌توان رابطه‌ی دال و مدلول‌ها را با رویکرد ساختارگرایانه بررسی نمود. بر این اساس شناسایی بافتار اجتماعی- فرهنگی در متن مورد بررسی نقشی اساسی دارد.

در این پژوهش، به منظور شناسایی رمزگان‌ها و معانی ضمنی در متن، انواع رمزگان‌های مورد توجه بارت^۶ در تحلیل متن یا روایت مورد استفاده قرار می‌گیرد. رویکردی در تحلیل متن مبتنی بر رمزگان‌های پنج‌گانه، رویکردی پساساختارگرا است. رولان بارت در تحلیل متنی خود، در پی این پاسخ به این موضوع بود که متن چگونه معنادار می‌شود؟ به عبارتی وی از مسئله‌ی معنادگی^۷ که به معنای جستجو برای یافتن معنای ثابت نشانه است، به معنازایی^۸ که طی آن معنا باید توسط خواننده خلق شود، حرکت می‌کند. از نظر بارت، روایت قابل تبدیل به واحدهای خوانش است و در این واحدها، مجموعه‌ای از دلالت‌های ضمنی

می‌شود، شناسایی می‌گردند و در نهایت عوامل سازنده‌ی فضای جنسیتی و معرف‌های آن تبیین می‌گردد.

نظر قرار دادن مفاهیم نشاننداری و تقابل‌های دوگانه، دوگانه‌های کلان که منجر به شکل‌گیری فضای جنسیتی

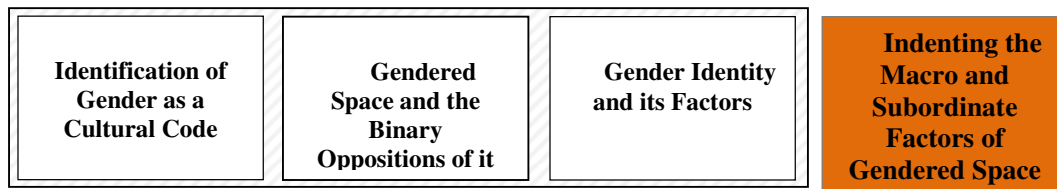


Fig. 1 Process of formulating the practical models of the research

می‌شود. بدین ترتیب وظایف و نقش‌های واضحی برای مردان، زنان و جوانان بر پایه‌ی جنسیت در جامعه وضع می‌گردد (Lawanga, 2001: 2). "براساس تعاریف ارائه شده، جنسیت، رمزگانی فرهنگی در متن فضاهای شهری است که به‌وسیله‌ی الگوهای اجتماعی بروز می‌یابد و شیوه‌ی عمل زنان و مردان در فضا را شکل می‌دهد و براساس آن هویت جنسیتی تعریف می‌شود. بر این اساس زنان و مردان در فضاهای شهری رفتارهای متفاوتی از خود بروز می‌دهند و فضاهای شهری به شیوه‌ی متفاوت برای آنها درک می‌گردد.

۲-۴- شناسایی تقابل‌های دوگانه‌ی نهفته در فضای جنسیتی
همان‌طور که بیان شد، فضای جنسیتی، فضایی سلسله‌مراتبی است و واجد دوگانه‌های فضایی است. در ادامه مهم‌ترین دو گانه‌های فضای شهری جنسیتی از خلال مفاهیم و مبانی نظری تبیین می‌شود. به لحاظ تاریخی، سهم‌بری متفاوت زنان و مردان از فضاها، وجود داشته است (پالن، ۲۰۰۸)، برای مثال جامعه‌ی آمریکایی فضای مردانه را به لحاظ تاریخی و سنتی، فضای عمومی می‌داند و فضای زنانه را امری خصوصی تلقی می‌کند (ولمن، ۲۰۰۹: ۱ به نقل از علی نقیان، ۱۳۹۵). همچنین بیان شده است که تا قبل از انقلاب صنعتی در کشورهای غربی و آمریکا زنان متعلق به فضای خانه بوده‌اند (Krenichyn, 2004: 117). فرانک (۲۰۰۰) نیز رویکردهای برنامه‌ریزی سنتی که منطقه‌بندی عملکردی را مورد توجه قرار می‌داد را بررسی می‌کند و آن را در قالب "نظریه‌ی فمینیستی" که ایده‌ای از تقسیم قلمروهای عمومی و خصوصی را بیان می‌کند، شرح می‌دهد. در این ایده فضاهای خصوصی، زنانه و قلمروهای عمومی، مردانه تصور می‌شوند (Frank, 2000: 348).

بدین ترتیب نفوذ این ایدئولوژی تاریخی در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری، فضای جنسیتی و مردانه را شکل می‌دهد. با توجه به کلیدواژه‌هایی که مطرح شد، سه دوگانه‌ی اصلی را می‌توان شناسایی نمود. این دوگانه‌ها،

۱-۴- رمزگان فرهنگی جنسیت و نشاننداری فضای شهری- ایجاد فضای جنسیتی

با توجه به مفهومی که از اصطلاح نشاننداری بیان شد، می‌توان گفت فضای جنسیتی در مقابل فضای شهری، مفهومی نشاندار است. بر این اساس می‌توان بیان نمود که فضای شهری به‌واسطه‌ی عامل جنسیت، نشاندار شده است و بر این اساس واجد مشخصه‌ها و ویژگی‌های دو قطبی است که آن را از فضای عمومی شهری متمایز می‌کند. همان‌طور که در تعریف رمزگان آمده است، نشانه و متن، بدون دریافت رمزی که در آن نهفته است، غیرقابل درک هستند. به این ترتیب متن فضای شهری واجد رمزگان‌های متعددی است که با توجه به ماهیت اجتماعی و فرهنگی آن، در برگزیده‌ی رمزگان‌های متعدد فرهنگی است. جنسیت، یکی از رمزگان‌های فرهنگی فضای شهری است که در متن فضاهای شهری به‌صورت متفاوت رمزگذاری و رمزگشایی می‌شود.

تفاوت مفهوم جنسیت^{۱۴} و جنس^{۱۵} به درک رمزگان جنسیت کمک می‌کند. جنسیت را ساختی اجتماعی در نظر می‌گیرند (Frank, 2002: 347; Rendell, 2000: 15) و جنس ناشی از تفاوت‌های بیولوژیکی و طبیعی است (آبوت و والاس، ۱۳۸۸: ۵). گافمن نیز بیان می‌کند که جنسیت رمزی بنیادین است که در انطباق با کنش متقابل اجتماعی و ساختار اجتماعی ساخته می‌شود (گافمن، ۱۹۹۷: ۲۰۱). بنابراین زنان و مردان از طریق رمزگان جنسیت با یکدیگر روبه‌رو می‌شوند و هویت خود را باز می‌شناسند. از این نظر رمزگان جنسیت به‌عنوان یک عنصر اساسی برای آگاهی بخشی متقابل در موقعیت‌های اجتماعی عمل می‌کند (سلطانی گرد فرامرزی، ۱۳۸۵: ۶۲ به نقل از غیاثوند، ۱۳۹۳: ۹۳). در عین حال در تعریف دیگری آمده است: "جنسیت به‌وسیله‌ی الگوهای اجتماعی که از فرهنگ نشأت می‌گیرد، بروز می‌نماید. جنسیت توسط زنان و مردان به منظور مشخص کردن ارتباط بین آنها و محیط تعریف

تقابل‌های موجود در متن یک فضای جنسیتی و نشاندار شده را نشان می‌دهند.

— **دوگانه‌ی زنانه-مردانه:** با توجه به ماهیت فضای جنسیتی و تعریفی که از جنسیت و فضای شهری ارائه شد، این فضا، عرصه‌ای مطلوب برای حضور بیشتر مردان است و در این میان زنان در حاشیه قرار دارند. به عبارتی فضای جنسیتی در شهرها، از حیث مطلوبیت حضور برای زنان و مردان نیز نشاندار است.

— **دوگانه‌ی درون-بیرون:** یکی دیگر از انواع نشاننداری قابل طرح در رویکردهای مطرح در رابطه با حضور زنان، درون-بیرون است. به عبارتی فضاهای بیرونی، متناسب برای مردان است و بنابراین در مقابل، فضای امن درونی قرار دارد که در آنها زنان بیشتر حضور دارند.

— **دوگانه‌ی خصوصی-عمومی یا دوگانه‌ی خانه-شهر:** حامیان نظریه‌ی طرد زنان در فضاهای شهری، معتقد هستند که زنان متعلق به فضای خانه و عرصه‌ی خصوصی هستند و مردان متعلق به فضای عمومی و شهر.

فارغ از دوگانه‌هایی که ماهیت فضاهای جنسیتی را نشان می‌دهد، می‌توان تقابل‌های دوگانه‌ی دیگری را نیز تبیین نمود، به نظر می‌رسد، این تقابل‌ها ناشی از کیفیت‌هایی هستند که در فضاهای جنسیتی وجود ندارد و یا حضور زنان در فضای بیرونی یا شهر را کاهش می‌دهد و فضاها را برای حضور زنان، غیرپاسخگو و نامطلوب می‌نماید.

۴-۳- تأثیر نشاننداری فضا بر هویت جنسیتی

آنچه فارغ از شناسایی تقابل‌های یک فضای نشاندار شده به واسطه‌ی جنسیت، می‌توان مورد بررسی قرار داد، هویت جنسیتی است. در واقع فضای جنسیتی در ارتباط با هویت جنسیتی است، به این معنی که شرایط فرهنگی و اجتماعی، چه هویتی را برای زنان و مردان شکل می‌دهد و چگونه فضا را برای جنسیت‌ها برنامه‌ریزی می‌کند. پیش از ارائه تعریف این مفهوم ضروری است تا نظریه‌های دوگانه‌ی مطرح در این خصوص تبیین شوند:

— رویکرد اول به هویت جنسیتی، نظریه‌های روان‌شناسانه را در برمی‌گیرد که در آن فرآیندهای روانی-شخصی نقشی تعیین کننده دارد. نظریه پردازانی چون فروید، اریکسون و آلبرت باندورا جز این گروه‌بندی هستند.

— رویکرد دوم که هویت را برساخته‌ی ظرف زمان و مکان می‌داند و تأکید بر فرآیند جامعه‌پذیری است. نظریه‌پردازانی چون گیدنز، جورج هربرت مید، کولی و مایکل کیمل (۱۹۹۷)، جنکینز، روزنبرگ، گافمن و

دیدگاه فمینیسم لیبرال در این دسته قرار دارند (غیاثوند، ۱۳۹۳: ۸۲-۸۴).

با پذیرش رویکرد دوم، به‌عنوان رویکرد مقبول، هویت جنسیتی، آن بخشی از رفتارها و نگرش‌های فرد نسبت به جنسیت خویش است که تحت تأثیر شرایط فرهنگی-اجتماعی شکل می‌گیرد و بدین ترتیب آشکارترین وجه هویت فردی است که در تعامل با دیگران ساخته می‌شود (جنکینز، ۱۳۸۱). هویت زنانه به گونه‌ای متفاوت با هویت مردانه (براساس تقابل‌های دوگانه‌ی میان مرد و زن) برساخته می‌شود که برخی از آنها از دید براون (۱۹۸۷) عبارتند از: فعال/منفعل؛ حاضر/غایب؛ مستقل/وابسته؛ فاعل/مفعول و... (کوثری، عزیزی و عزیزی، ۱۳۹۳: ۱۹۵).

در واقع هویت از طریق ساختار اجتماعی فضای پیرامون شکل گرفته و طی فرآیندی دائماً تولید و بازتولید شده و تغییر می‌کند (احمدی، عقیلی و مهدیزاده، ۱۳۹۴: ۲). بر این اساس می‌توان گفت هویت زنانه، همواره بازتابی از کلیشه‌های رایج در جامعه است (کوثری، عزیزی و عزیزی، ۱۳۹۳: ۱۸۹). نمونه‌هایی از شاخص‌های هویت جنسیتی عبارتند از: سبک پوشش، فرد گرایی، اشتغال و استقلال مالی، نقش‌های حرفه‌ای زنان، قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب، الگوهای روابط بین فردی و... (احمدی، عقیلی و مهدیزاده، ۱۳۹۴: ۵). اگر بخواهیم مواردی که مطرح شد را در یک دسته‌بندی کلی ارائه نماییم می‌توان عوامل سازنده‌ی هویت جنسیتی را در سه بعد اجتماعی (عقاید زنان در ارتباط با حضور اجتماعی، اشتغال، تحصیلات یا به بیان دیگر نقش اجتماعی در فضا)، بعد خانوادگی (عقاید و باورها به وظایف و موقعیت زنان در خانواده) و بعد فردی (مدیریت بدن، نمایش جنسیت و احساس امنیت) تبیین نمود (سفیری و محمدی، ۱۳۸۴: ۱۲۱؛ غیاثوند، ۱۳۹۳: ۹۰).

۴-۴- تدوین مدل کاربردی پژوهش-ابعاد فضای جنسیتی

در این بخش از پژوهش، توجه به مواردی که بیان شد، عوامل مؤثر بر خلق فضای جنسیتی تبیین خواهند شد و همچنین تأثیرگذاری آنها بر ابعاد هویت جنسیتی در قالب یک مدل مفهومی و کاربردی ارائه می‌شود. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فضای جنسیتی عبارتند از:

- اقدامات طراحانه ناشی از جنسیت طراح
- نحوه استفاده از فضا
- عملکرد فضا
- نمایش عملکرد فضا یا بازنمایی فضا یا همان ایدئولوژی‌های حاکم بر فضای ذهنی برنامه‌ریزان و

و تبعی فضای جنسیتی تبیین شده است و معرف‌های آن تبیین گردیده‌اند، در ادامه به بررسی نمونه‌ی موردی پرداخته خواهد شد. لازم به ذکر است که جنسیتی شدن فضا، به‌طور کلی می‌تواند الگوهای کلی رفتاری زیر را در زنان برانگیزد (علی نقیان، ۱۳۹۵):

- سازش زنان با محیط در انتخاب شغل یا محدودیت حضور؛
- هنجارپذیری به معنی پذیرش محدودیت‌ها و ایدئولوژی حاکم و انطباق عملکرد خود با آنها (مانند محدود کردن ارتباطات، سپردن کامل امور بیرونی به مردان، ترجیح فعالیت‌های خانگی بر فعالیت‌های اجتماعی و شغلی بیرون از خانه و پذیرش تمهیدات پوششی در زمان حضور در اماکن عمومی)؛
- و ترک فضای مردانه.

تصمیم‌سازان و فضای غالب جامعه (Rendell, 2000: 103 به نقل از عرشی‌ها و مدیری، ۱۳۹۰: ۱۲۴).
نگارنده معتقد است که با توجه به عواملی که بیان گردید، به‌طور کلی می‌توان عوامل سازنده‌ی فضای جنسیتی (مدلول‌ها) را در دو دسته‌ی کلی: عملکرد جنسیتی و نمایش عملکرد فضا تقسیم نمود که این دو نه تنها بر تصرف فضایی، بلکه بر تصرف زمانی و فعالیتی فضا نیز تأثیر دارند. در ادامه در جدولی، مصادیق این عوامل (دال‌ها) و ارتباط آنها با تقابل‌های فضایی و هویت جنسیتی آورده می‌شود. در عین حال لازم است تا تأثیرگذاری شاخص‌های مطرح شده در هر عامل و ارتباط آن با دوگانه‌های سازنده‌ی فضا تبیین شود. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، دوگانه‌های سازنده‌ی فضای جنسیتی عبارتند از: پاسخده-غیرپاسخده/ مطلوب- نامطلوب/ راحتی- ناراحتی/ دسترسی‌پذیری - دسترس‌ناپذیری/ پذیرنده- غیرپذیرنده/ امن - ناامن/ هنجار - نابهنجار. براساس مدلی ارائه شده که در آن عوامل اصلی

Table 2: Major and subsidiary Factors of gendered space and its relation to the binary opposition of gendered space

Factor (signified)	Criteria (Signifier)	Sub-Criteria (Signifier)	Relationship with Gender Identity	Relationship with Quality Criteria of space	Binary Opposition	Macro Opposition
Main Factor	Presentation of Space Function	Domination of activities for men's presence/ Inconsistency of activities with women needs	Social identity	Responsiveness/ Appropriateness/ comfort/accessibility	Responsive-non responsive/ Favorable non-favorable/ comfortable-incomfortable/ accessible-non-accessible	Public-Private/ Male-Female/ Home-City
		Women's acceptance in Urban Space (Outdoor) Restrictive religious-cultural (ideology) norms			acceptance -non acceptance/ Secure-non-Secure/ Normal-ab normal	
	Factor (signified)	Criteria (Signifier)	Social dimension of identity/ Familial Dimension	Space acceptance/ Security/ Acceptance of presence		
Subordinate Factors	Space Occupancy by gender	Men's Domination in Space / Men's Space Ownership		The plurality of men in space/ Allocation of some special spaces for men/ Avoid choosing some spaces and paths to stop and cross Unsafe presence in early and late night/ Presence in some hours/ Attending in some events/ Reducing the time of women's presence Unwillingness of women to stop in space/ Reducing the tendency of women for social activities/ Tendency of women for doing necessary activities/ Unwillingness of women to do voluntary activities in space/ Be present in the space with others		
	Time Occupancy by gender	Time dominance of men's presence				
	Behavior and Activity Occupancy by gender	Activity dominance for men in the space				

۵- بررسی فضای محله‌ای سنتی: میدان امامزاده علی اکبر در محله‌ی چیدر

۵-۱- فضای محله‌ای، عرصه‌ی منتخب برای تحلیل ابعاد فضای نشاندار شده به واسطه‌ی جنسیت

در اینجا فضای محله‌ای به عنوان بستر مطلوب انتخاب شده است، زیرا این فضا، به عنوان سلسله‌مراتبی از فضاهای شهری است که بیشترین ارتباط را با نیازهای روزانه و شهروندان و به خصوص "زنان"، به عنوان گروه هدف تحقیق دارد. در عین حال لازم به ذکر است که این سطح از فضاها، در فضاهای شهری سنتی ایران، از اهمیت و جایگاهی ویژه‌ای برای حضور زنان برخوردار بوده‌اند. از آنجاکه هدف بررسی عوامل شکل‌دهنده‌ی فضای جنسیتی است، نمونه‌ی محله‌ی سنتی، مطلوب‌تر بوده و لذا این فضاها، از جهت شناسایی تقابل‌های دوگانه‌ی سازنده‌ی فضای جنسیتی، مناسب‌تر عمل می‌کنند. بنابراین نمونه‌ی موردی منتخب در این پژوهش، فضای محله‌ای چیدر است. این محله از محلات قدیمی تهران می‌باشد که قبل از ساخت و سازهای انقلاب اسلامی، در شمالی‌ترین بخش منطقه یک شهرداری تهران، قرار داشته است. به صورت کلی، در سال‌های اخیر، به دلیل قرارگیری محله در مجاروت محله‌های مرفه‌نشین، بخش‌هایی از محله، عرصه‌ای برای سکونت اقشار پردرآمد بوده است. اما بافت سنتی و قدیمی به دلیل وجود امامزاده علی‌اکبر و امامزاده اسماعیل، بافتی سنتی بوده و ساکنان آن به اعتقادات مذهبی و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی پایبند هستند. در این پژوهش، بخش مرکزی محله‌ی چیدر و میدان امامزاده علی‌اکبر، به عنوان بستر پژوهش مورد توجه قرار گرفته است.

۵-۲- نحوه‌ی جمع‌آوری داده‌ها و حجم نمونه

به منظور شناسایی تقابل‌های دوگانه در فضای محله‌ای منتخب، داده‌ها به شیوه‌ی مصاحبه‌ی عمیق جمع‌آوری شده‌اند. بدین ترتیب روایت زنان از فضای محله‌ای به دست آمده است و در قالب روش نشانه‌شناسانه، مورد بررسی قرار گرفته است. مصاحبه‌ها نه تنها در فضای محله‌ای، بلکه در درب منازل نیز انجام شده است. هدف از این امر بهره‌بردن از آراء زنانی است که شاید کمتر در فضا حضور می‌یابد و بنابراین عدم دخالت نظرات آنها در پژوهش، ممکن روایی و

صحت استنتاجات را خدشه‌دار نماید. تعداد زنانی که در این مصاحبه‌ها شرکت نمودند، سی نفر بوده‌اند. از آنجاکه هدف در نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی درک عمیق پدیده‌ها است و نه تعمیم داده‌ها که در پژوهش‌های کمی مورد توجه است (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۳۸)، و همچنین با توجه به روش اشباع، به عنوان استاندارد طلایی، این حجم نمونه برای تحلیل و بررسی کفایت داشته است. در روند مصاحبه چند پرسش کلی زیر با توجه به مدل کاربردی پژوهش، مورد توجه بوده است. در ارتباط با عوامل مؤثر بر حضور و یا عدم حضور، از زنان خواسته شد تا در قالب عبارتی (روایت خود از فضا)، دلایل خود را بیان نمایند، بنابراین به نوعی تحلیل روایت نیز مورد توجه بوده است.

- بررسی تصرف زمانی جنسیتی (حضور در فضا (روز و شب))
- بررسی تصرف فعالیتی- رفتاری جنسیتی (دلیل حضور، نحوه‌ی حضور)

- بررسی عملکرد جنسیتی فضا و نمایش عملکردی فضا (عوامل مؤثر بر حضور یا عدم حضور در فضا)

۵-۳- تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها مبتنی بر روش نشانه‌شناسی و منطبق بر ابعاد کلان و تبعی سازنده‌ی فضای جنسیتی به شرح زیر است. در ابتدا عوامل تبعی سازنده‌ی فضای جنسیتی شامل تصرف زمانی، فضایی و فعالیتی- رفتاری جنسیت‌ها در فضا بررسی می‌شود. از این‌رو که این تحلیل مبتنی بر رویکرد نشانه‌شناسی است، دال‌ها و مدلول‌ها شناسایی می‌شوند. در ادامه به منظور شناسایی انواع تقابل‌های دوگانه، در ابتدا روایت‌های زنان از دلایل حضور و عدم حضور در فضا، در قالب تحلیل کلی فرآیند دلالت و شناسایی دال‌ها، مدلول‌ها و رمزگان‌ها، چون موارد قبل انجام می‌شود. در گام بعد، پژوهشگر، به استناد دال‌های شناسایی شده از خلال بررسی روایت‌ها، آنها را دسته‌بندی نموده و بر این اساس انواع تقابل‌های دوگانه‌ی فضای نشاندار شده‌ی جنسیتی را شناسایی نموده است. در گام بعد به منظور تحلیل عمیق‌تر موضوع، برخی از روایت‌های زنان (یک یا دو روایت در هر نوع از تقابل‌ها) را با رویکرد تحلیل روایت‌بارتی که پیش از این بیان شد، تحلیل نموده است که نتایج تفصیلی آنها در ادامه آورده می‌شود.

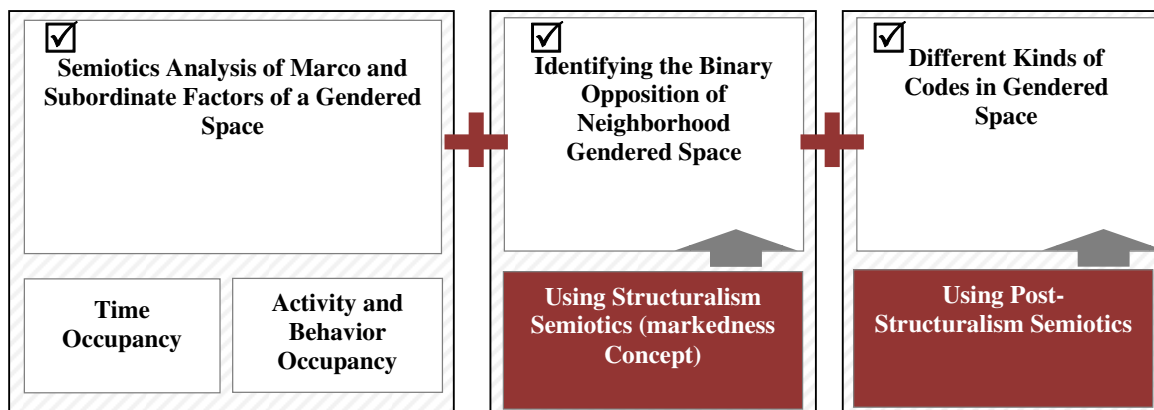


Fig. 2 Process of data analysis

تصمیم‌گیری و نوع روابط، زنان تحت تأثیر بافتار اجتماعی - فرهنگی هستند و نقش مادرانگی زن، غالب است. رمزگان‌های شناسایی شده در این بخش منطبق بر ابعاد فضای شهری و در نتیجه در قالب رمزگان کالبدی (عملکرد جنسیتی فضا)، رمزگان فعالیت (عملکرد جنسیتی فضا) و رمزگان اجتماعی- فرهنگی (نمایش عملکرد فضا) مطرح شده است. در عین حال رمزگان روان‌شناختی با توجه به اینکه زنان از دید دی (۲۰۰۰)، مبتنی بر اصول مراقبتی در فضا حضور و فعالیت می‌یابند، مطرح شده است.

– **بررسی نحوه‌ی تصرف فعالیتی-رفتاری جنسیتی:** در ادامه به منظور بررسی دلایل حضور در فضای شهری، پرسشی مبتنی بر نوع فعالیت و دلیل حضور در فضای محله‌ای میدان‌پذیر پرسیده شد. نوع فعالیت‌های مورد توجه مبتنی بر دسته‌بندی یان گل (۱۹۸۷) ارائه شده است. نتایج بررسی نشان می‌دهد، از میان دال‌های شناسایی شده، زنان به دلیل رمزگان‌های ارجاعی و فرهنگی، بیشتر به منظور حضور اجباری در فضای این محله‌ی سنتی، حضور می‌یابند. در این میان اگر فعالیت اختیاری نیز در فضا وجود دارد، با غلبه‌ی فعالیت مذهبی است، چراکه هویت جنسیتی متصور برای زنان در قالب بافت اجتماعی- فرهنگی، زن مذهبی و سنتی است. در جدول زیر به تفکیک دال‌های مختلف (نوع فعالیت)، تحلیل نشانه‌شناسانه ارائه شده است.

۵-۳-۱- بررسی عوامل کلان و تبعی سازنده‌ی فضای

جنسیتی در فضای محله‌ای منتخب

– **تصرف زمانی و فعالیتی-رفتاری جنسیتی:** در این بخش با توجه به آنکه روش بررسی نشانه‌شناسانه است، دال، مدلول و نوع رمزگان در پاسخ‌های زنان، شناسایی شده است و از این طریق، هویت بازنمایی شده زنان در فضا، تحلیل شده است. دال‌ها در واقع، نوع حضور و همراهی در فضا را در بر می‌گیرند و مدلول‌ها، دلایل را نشان می‌دهند. تحلیل و باز شناسی، دال، مدلول و رمزگان، می‌تواند نوع نگاه جنسیتی و نگاه به زن در فضای این محله را تبیین نماید. در جدول زیر دو پرسش اول در قالب این روش تحلیلی بررسی شده‌اند. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، زنان بیشتر در طول روز در فضا حضور دارند و در عین حال بیشتر به همراه خانواده و فرزندان هستند. مدلول‌ها نشان می‌دهند، دلیل این امر مسئولیت‌های محوله به زنان در قالب نقش مادرانگی- مذهبی و هنجارهای اجتماعی غالب است که بافتار فرهنگی و اجتماعی را شکل داده‌اند (نمایش عملکرد فضا)؛ و بنابراین از یک سو به کالبد نامناسب فضا و فعالیت‌های ناسازگار فضا برای زنان (عملکرد جنسیتی) منجر گردیده است و از سوی دیگر، هویت جنسیتی زن سنتی را شکل داده‌اند. بررسی شاخص‌های هویت جنسیتی در فضا تبیین می‌کند که در معیارهای نقش زن، قدرت

Table 3: Semiotics investigation to the time occupancy and gendered activities in neighborhood space

Factor	Signifier	Signified	Code	Criteria related to Gender Identity	Represented Identity of Women in Neighborhood
Time Occupancy	More presence during the day	Home responsibility and daily shopping/ Taking and bringing children	Social and cultural code	Women role/ Employment	Housewife/ Unemployment in the society
	Very limited presence at night	Insecurity of space Not having permission for presence	Physical code/ Social and cultural codes	Decision-making power/ Interpersonal relationships pattern	Lack of decision-making power in space/ Accepted relationship with Family
	Presence with Family	The responsibility and the type of dominant traditional norms	Social and cultural code	Women role	Housewife (role of motherhood)
Behavior and Activity Occupancy	Presence with Children	Care ethics responsibility	Social and cultural code/ Psychosocial code	Women role	Housewife (role of motherhood)
	Presence with Husband	Dominance of traditional norms	Social and cultural code	Decision-making power/ Interpersonal relationships pattern	Lack of decision-making power in space

Table 4: Semiotics investigation to the gendered activity-behavioral occupancy

Factor	Signifier	Percent	Signified	Represented Identity of women in space
Behavior and Activity Occupancy	Presence in Holy Shrine of Imamzadeh	63.3	Voluntary presence but as the result of existence of Imamzadeh	Religious Role of Women
	Daily shopping	76.6	Necessary activity as result of housework	Motherhood Role
	Taking and bringing the children	13.3	Necessary activity as result of housework	Motherhood Role
	Walking in the space	13.3	Voluntary presence	Individualism
	Interaction with other women	10	Social presence	The need for limiting interpersonal relationship

۵-۳-۲- تقابل‌های دوگانه‌ی فضای نشاندار جنسیتی

تحلیل روایت‌های زنان از دلایل حضور و عدم حضور در فضا، به شیوه‌ی شناسایی دال‌ها و مدلول‌ها و دسته‌بندی آنها، منجر به شناسایی انواع تقابل‌های دوگانه‌ی زیر شد. در ادامه نمونه‌ای از تقابل‌ها بررسی می‌شود. از میان تقابل‌های شناسایی شده، برخی از تقابل‌ها اصلی‌تر هستند و سایر تقابل‌ها ذیل آنها قابل بررسی و تحلیل هستند. تقابل‌هایی چون: مطلوب/ نامطلوب بودن فضا و مردانه/ زنانه بودن.

— امن/ ناامن: مدلول‌هایی چون امنیت روزانه، عدم امنیت شبانه و عدم نظارت اجتماعی در فضا، ذیل این تقابل، قرار می‌گیرند و رمزگان قابل شناسایی در رابطه‌ی دال و مدلول، از نوع اجتماعی و فرهنگی است.

— پاسخگویی/ عدم پاسخگویی: که مدلول‌هایی چون، عدم

پاسخگویی به نیاز زنان و کودکان در ارتباط با آن مطرح است. رمزگان کالبدی و فعالیتی در ارتباط با این مدلول‌ها مطرح است.

— پذیرندگی/ عدم پذیرندگی: که مدلول‌های آن، جزئی از فضا نبودن و نداشتن حس تعلق است و رمزگان‌های کالبدی، اجتماعی و فعالیتی توأمان در ارتباط با دال‌ها و مدلول‌های این تقابل، قابل طرح است.

— هنجار/ نابه‌هنجار: که مدلول‌های آن، منع شدن حضور زن توسط خانواده، فرهنگی نبودن و عرف نبودن است که تحت تأثیر رمزگان‌های اجتماعی-فرهنگی نوع فعالیت و حضور زن را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

— سایر تقابل‌های دوگانه عبارتند از: آسایش/عدم آسایش؛ مردانه/ زنانه؛ مطلوب/ نامطلوب.

Table 5: Semiotics investigation of women's narrations about influential factors which make gendered space and defining binary opposition

Factor	Signifier	Signified	Code	Binary Opposition of Gendered Space
Activity and behavior Occupancy Presentation of Space Function/ Time Occupancy	Daily presence for shopping/ Daily presence for home responsibilities/ Daily presence to go to Imamzadeh Presence at Early and late night is prohibited/ Restriction by the family for night presence	Daily security security	Social and cultural code Social and cultural code	Secure/ Non secure
Gendered Function: Space Occupancy	Undesirable feeling of staying in the square/ The presence of strangers in space	Lack of social monitoring in space	Social and cultural code	
Gendered Function: Presentation of Space Function	Feeling comfortable at home/ Feeling uncomfortable in space/ Lack of proper equipment in the square	Lack of comfort and convenience	Physical code/ activity based code	Comfort/ Discomfort
Gendered Function	Absence of drinking equipment in square/ lack of suitable children's play space/ presence of strangers	Lack of responsiveness to the needs of children and fellows in space	Physical code/ activity based code	
Gendered Function: Space Occupancy Presentation of Space Function	Lack of suitable space for women to see and talk with other except in Imamzadeh/ Lack of suitable space for young women	Lack of responsiveness the needs of modern women Non-responsiveness of space to women	Physical code/ activity based code	Responsiveness / Non-responsiveness
Presentation of Space Function: Behavior and Activity Occupancy	Unwillingness to stay in space/ Tendency to leave and return home/ Presence in space for shopping, going to Imamzadeh and other necessary activities/ presence with others	Not belonging to the space	Physical code/ social and cultural code	
Presentation of Space Function	Be safe and comfortable at home/ Lack of durability of presence in space	Lack of sense of belonging	social and cultural code/ activity based code	Acceptance/ Non-Acceptance
Gendered Function: Space Occupancy	lack of suitable space for women and their companions/ The existence of strangers/ Excessive presence of men/ Possibility of secure presence in Imamzadeh	Unfavorable neighborhood space Favorable Imamzadeh space	social and cultural code	
Presentation of Space Function: Behavior and Activity Occupancy	Not having the husband's permission to be present in the space/ Presence with husband/ Presence with children / Doing home affairs by men and children	Presence prevention in space by family member	social and cultural code	Favorable/ Non-Favorable
Gendered Function: Space Occupancy	Dominant presence of men/ The presence of non-normative groups in space/ The presence of strangers due to ultra-land uses	Appropriate for men's presence	social and cultural code	
Presentation of Space Function: Behavior and Activity Occupancy	Obscene of woman presence in the alley and neighborhood/ The presence of women at home is more acceptable/ Being Responsible of home and children/ women presence in Imamzadeh	Unacceptable by society norms/ Being non-cultural	social and cultural code	Normal/ abnormal

۵-۳-۳- شناسایی انواع رمزگان‌ها در تحلیل روایت زنان

در ادامه به منظور ارائه‌ی تحلیلی دقیق‌تر، برخی از روایت‌های زنان، مورد بررسی قرار گرفت. همان‌طور که پیش از این بیان شد؛ بارت برای تحلیل روایت، شیوه‌ی تحلیلی مبتنی بر شناسایی پنج رمزگان را ارائه نموده است که در آن ضمن شناسایی قالب فرمی روایت، می‌توان به تحلیل معانی نیز پرداخت. بر این اساس، یک یا نمونه از روایت‌ها در ارتباط با انواع تقابل‌های شناسایی شده، انتخاب و تحلیل شده‌اند. در این تحلیل رمزگان پروآیتریک، مورد بررسی قرار نگرفته است.

۱- رمزگان هرمنوتیکی که مبتنی بر پرسش کلی و معمای کلی در پس روایت است، عموماً در ارتباط با دلایل حضور و عدم حضور بوده و به‌صورت خاص، در ارتباط با دلایل ناامنی، نامطلوب بودن، پذیرنده نبودن و... است.

۲- رمزگان نمادین که نشان‌دهنده‌ی انواع تقابل‌هایی است، از خلال روایت زنان قابل شناسایی است و مترتب بر موارد زیر است: روشنی/ تاریکی؛ عدم حضور/ حضور؛ ناامنی/ امنیت؛ اجبار/ اختیار؛ ناراحت/ راحت؛ فضای مذهبی امامزاده/ فضای میدان؛ خانه/ محله؛ حضور مردانه/ حضور سایرین؛ حضور غریبه‌ها/ حضور ساکنین؛ زنان جوان/ زنان مذهبی میانسال و کهنسال و... است.

۳- رمزگان‌های معنابنی، که به شناسایی انواع دلالت‌های مستتر و ضمنی در متن می‌پردازد، نشان می‌دهد هویت جنسیتی زنان در فضای محلات سنتی، بر ساخته از بافتار اجتماعی- فرهنگی غالب و اسطوره‌سازی از مفهوم زن سنتی و مذهبی است. لذا انواع دلالت‌های معنایی شناسایی شده از خلال تحلیل روایت زنان عبارتست از: دنج بودن، خودمانی بودن، زنانه نبودن فضا، مذهبی بودن، سنتی بودن، نامطلوبیت فضایی، مسئول امور خانه بودن، فرهنگی نبودن حضور و... .

۴- رمزگان فرهنگی که همان رمزگان ارجاعی نام دارد، سایر رمزگان‌های مرتبط با حوزه‌ی غیرفرمی روایت را تحت تأثیر قرار داده و به نوعی معانی و دلالت‌های شناسایی شده، تحت تأثیر آن سامان‌دهی می‌شوند. این رمزگان‌ها در ارتباط با نمایش عملکرد فضا هستند. به عبارت دیگر، ایدئولوژی قالب که در آن نقش مادرانگی و سنتی حائز اهمیت است، هویت جنسیتی زنان را تحت تأثیر قرار داده و بنابراین بر دلالت‌هایی چون راحت بودن فضای خانه، غیرفرهنگی بودن حضور زن در فضا، حضور به همراه همسر و یا کودک در فضا و... تأثیر داشته است.

۵- در نهایت فارغ از انواع رمزگان مطرح شده توسط بارت، در اینجا نوع روایت نیز مورد بررسی قرار گرفت. دسته‌بندی انواع روایت به فعالانه‌ی مثبت یا منفی و منفعلانه، برگرفته از تحلیلی است که در بررسی دیالوگ‌ها در مقوله‌ی تحلیل رسانه (رضایی و افشار، ۱۳۸۹: ۸۴) کاربرد دارد. منظور از روایت فعالانه، روایتی است که به‌صورت مثبت با منفی، بدون هر گونه تردید و شک، نسبت به فضا ارائه شده است و در صورتی که در قالب جملات مثبت نسبت به فضا باشد، روایت فعالانه‌ی مثبت است. در صورتی که در قالب جملات منفی نسبت به فضای محله باشد، در دسته‌ی فعالانه منفی آورده شده است. روایت منفعلانه، ناشی از شک و تردید نسبت به مطلوبیت یا نامطلوبیت فضای محلی است. در این بررسی زنان سنتی و جوان، هر دو روایت فعالانه‌ی منفی نسبت به فضای محلی را دارند، هر چند دلایل آنها از هم متفاوت است. در این میان روایت برخی از زنان به صورت منفعلانه نسبت به فضا بوده است. در عین حال در مواردی، هر دو گونه در تحلیل، مشاهده شده است.

Table 6: Women's narration analysis and defining different codes

Factor (Signified)	Binary opposition	Semantic aspect of narration				Type of Narration
		Formal aspect	Hermeneutic codes	Symbolic Codes	Semantic Codes	Cultural Codes
Time Occupancy	Secure/Non-secure	Generally, I only am present in the square for bringing and taking the children or to buy something and I prefer to do it before darkening. I do not feel good to stay in the square after darkness (Married woman, 48 years old).				Negative active role
		Reasons for presence and absence in space	Necessary activity/ Optional and social activity in day/ darkness bad Feeling/ good feeling Leaving space/ staying in space	Undesirable Masculine space/ Responsible of Home Affairs	Motherhood Role	

Gendered Function	Comfort/Discomfort	Chizar Square is not an acceptable space. I do not feel comfortable and ease to stay in the square, the presence of some men and Shopkeeper in the space and their looks bother me and I do not feel free in space at all (Married woman, 30 years old).				
		Reasons for presence in space	appropriate/ inappropriate space Presence/ absence Discomfort/ comfort Leave space/stay The presence of men /The presence of all	Undesirability of space/ Masculine space/ Feel the fear in space/ Don't have sense of belonging	The house is a feminine and secure space.	Negative active role
Gendered Function	Responsiveness/Non-responsiveness	I feel better at home and just go out to take my daughter to school or buy something. I do not like sitting and staying in the square. The house is better and more relaxed space (Married Women, 36 years old with a child).				
		Reasons for home preference	Pleasant/ unpleasant Necessary activity / Social activity Leave space / stay Comfort/discomfort	Home Space Relaxation/ Houses are secure/ Don't belonging to the outer space/ Home Affairs Responsibilities	The house is a feminine and secure space. Emphasis on the role of women's maternity and religion.	Negative active role in relation to the square/ Positive active role in relation to the home.
Gendered Function	Acceptance/Non-acceptance	 In the square there is lack of equipment and drinking water equipment. The square is green, but there are no facilities for children. Only in Imamzadeh there is drinking equipment and a toilet. I and many of our neighbors come to Imamzadeh ... but we do not stay in the square ... there is no seat there ... (Married, 36 years old).				
		Non responsiveness of Environment	equipped the spaces / lack of space equipment Children's space / adult space Imamzadeh Space /Square Space	Outdoors space is masculine/ The religious space is secure/ Discomfort	Inside space as a safe space (examples: Outdoors are necessarily masculine./ Inside and secure space for women, Imamzadeh	Negative active role in relation to the square/ Positive active role in relation to the Imamzadeh
Gendered Function / Presentation of Function of space	Acceptance/Non-acceptance	I do not like the square at all, and I do not spend my leisure time in square. Many religious women go to Imamzadeh to spend their free time, but many young girls like me, go outside the neighborhood ... The atmosphere of the Imamzadeh is very religious ... In Chizar Square, we have no facilities, even there isn't a chair in an appropriate position, and men are always in the field, and this annoys me ... (Single, 28 years old).				
		Reasons of presence in outer space	Presence in the neighborhood / presence in outside of the neighborhood Young women / middle-aged and elderly women Non-religious women / religious women Pleasant/Unpleasant Existence of facilities / lack of space facilities The presence of men / the presence of all Discomfort / comfort	Discomfort/ Masculine space/ Religiousness of space/ Traditionality of space	Mythology of a religious woman	Negative active role in relation to the square & Imamzadeh
Gendered Function / Presentation of Function of space	Acceptance/Non-acceptance	As a result of Holy Shrine of Imamzadeh, the strangers and the residents of the neighborhoods come here a lot... I think the square space does not belong to the residents of Chizar only ... whenever I cross the square, I see different people in the space either for shopping or for coming to Imamzadeh ...the presence of them make space more inappropriate and the space is not appropriate for the girls ... Of course this is my opinion ... many of old woman and housewives like this space and gather in Imamzadeh ... (Single, 31 years old)				
		Reasons for the lack of sense of belonging to space	The presence of strangers/ the presence of residents Comfort/ discomfort Young women/ middle-aged and elderly women	Not Familiar Space/ Not cozy Space/ Religious space/ Discomfort	-	Passive role in relation to the space

... I like Chizar, when I feel sad, I come to Imamzadeh... The atmosphere of Imamzadeh and the religious gathering that exist in Imamzadeh are very diverse and they are held in different times in different programs. I've been friends with a lot of women in Imamzadeh and I'm satisfied live in this neighborhood ... (Married, 47 years old)

Presentation of Function of space	Male/female	Reasons of having sense of belonging to the space	Sense of belonging/ exclusion of space Variation of religious activity / lack of diversity Contact with other women / contact with everyone Satisfaction of being resident of this space/ Dissatisfaction	Religious space/ Sense of belong to space/ Space desirability	Religious space is a secure and desirable space for women. Relationship with traditional women is desirable.	Positive active role in relation to the neighborhood & Imamzadeh
		In the past, the relationship of the neighbors was too much ... The women were together in front of their homes and the alleys ... After the revolution, when new buildings were built ... new residents entered the neighborhood, they did not like this kind of women's gathering... New neighbors know less about each other. Previously, women gathered in front of the houses. But now they are only present in Imamzadeh Ismael and Ali Akbar ... there are only men in the square ... (Old woman, 65 years old)				
Presentation of Function of space	Normal/abnormal	Reasons of decreasing presence in the past	Deep connection with neighbors / lack of communication Outdoor space for women / Lack of special Outdoor space for women Imamzadeh Space / Neighborhood Space Women's space / men's space	Reduce communicatio/ Religious space/ Traditionality of space/ Outdoor space is masculine	The woman belongs to the home space, religious space and outer space in the lowest hierarchy	Positive active role (in past) & Negative active role (at present)
		Reasons of being absent in the space	Be alone/ presence with others Crowded/ cozy Sense of belonging / lack of sense of belonging Imamzadeh religious space /non-religious space Presence at home / presence in the neighborhood	Not cultural/ Religious space/ Cozy and Familiar	Motherhood role Religious role	Negative active role in relation to the square/ Positive active role in relation to the home.

۶- نتیجه گیری

بررسی ها حاکی از این موضوع است که علی رغم ضرورت خلق فضاهای مشمولیت پذیر و اجتماع پذیر، برنامه ریزان و تصمیم سازان به عنوان عوامل تأثیرگذار در خلق فضای مطلوب نتوانسته اند، فضای مناسب را برای حضور زنان در فضای شهری فراهم آورند. اگر مفهوم فضای شهری، را به مثابه ی فضای اجتماعی (لفور، ۱۹۹۱) بپذیریم، فضا فارغ از ابعاد عینی و ذهنی، فضای زیسته ی استفاده کنندگان نیز هست. بدون شک فضای زیسته یا به تجربه درآمده، همه ی استفاده کنندگان فضا را هدف گیری می کند و ماحصل آن مکانی است که در آن سوژه بودگی انسان مورد توجه است و امکان تأثیر گذاری در فضا به استفاده کنندگان آن داده می شود. در این حالت است که انسان ها می توانند هویت خود را بیابند. فارغ از پذیرش این تعبیر از مفهوم فضا در عصر حاضر، تأثیر گذاری ایدئولوژی و ساختارهای اجتماعی و

فرهنگی، همچنان محدودیت هایی را برای تحقق این مفهوم

و یا عدالت در دستیابی به فضای زیسته برای زنان و مردان قائل هستند.

با توجه به هدفی که در این نوشتار مطرح گردید، عوامل سازنده ی فضای جنسیتی و تحلیل آن نمونه ی موردی مبتنی بر رویکرد نشانه شناسی است. به این ترتیب نتایج نشان داد که عملکرد جنسیتی و نمایش عملکرد فضا (ایدئولوژی حاکم) دو عامل اصلی در شکل دهی به فضای جنسیتی هستند. در عین حال فضای محله ای در محلات سنتی، به جای آنکه بستری مناسب برای حضور زنان باشد، زنان را به حاشیه می راند. در این میان در کنار رمزگان های کالبدی و فعالیت، بافتار اجتماعی- فرهنگی (نمایش عملکرد فضا)، بر شکل گیری فضاهای جنسیتی تأثیر داشته است. به عبارتی در فضای محله ای سنتی، نه کالبد و فعالیت های متناسب با نیاز زنان و گروه های تحت مراقبت

نامن، ناراحت، غیرپذیرنده، غیرپاسخگو، مردانه و نامطلوب هستند. نتیجه‌ی بررسی‌ها حاکی از تأثیرپذیری هویت جنسیتی، بر ساخته از بافتار اجتماعی- فرهنگی است که زن سنتی را اسطوره‌سازی نموده است. با این توضیحات، فضای جنسیتی در مقیاس محلی دارای مشخصه‌های زیر است. همان‌طور که مشاهده می‌شود این ویژگی‌ها در ارتباط با رمزگان‌های فعالیت، کالبدی (تصرف فضایی و فعالیت جنسیتی) و از یک سو رمزگان‌های اجتماعی- فرهنگی (نمایش عملکرد جنسیت) هستند. در ادامه به عنوان نتیجه‌گیری نمودار مرتبط با الگوی فضای جنسیتی و نموده‌های آن در بستر فضای شهری آورده شده است. همچنین تأثیرگذاری این فضا بر هویت بر ساخته‌ی زنان نیز بررسی شده است. این بررسی نموده‌های هویت جنسیتی زنان را در ابعاد مختلف تبیین می‌نماید.

آنها (تصرف فضایی، فعالیت جنسیتی) مطلوب است و نه هنجارهای اجتماعی (نمایش عملکرد فضا)، این امر را می‌پسندد. بدین ترتیب نتیجتاً حضور و فعالیت زنان در فضا کاهش می‌یابد و زنان به فضای درون و فضای خانه محکوم می‌شوند. الگوی رفتاری که زنان به این واسطه در پیش می‌گیرند یا سازش و هنجارمندی است و یا ترک فضای جنسیتی.

با علم به این موضوع که بازنمایی هویت جنسیتی زنان به واسطه‌ی ایدئولوژی یا نمایش عملکرد فضا، می‌تواند به سمت و سویی پیش رود که هویت زن را به مثابه‌ی زن سنتی یا مدرن معرفی نمایند، باید بیان نمود که فضای جنسیتی، فضا را برای زنان نامطلوب نموده و آنها را حذف می‌کند. این فضاها در مقیاس محلی مورد بررسی که نمونه‌ای از فضاهای محلی سنتی است، نشان داد که چنین فضاهایی، جنسیتی هستند و از دید زنان مصاحبه‌شونده،

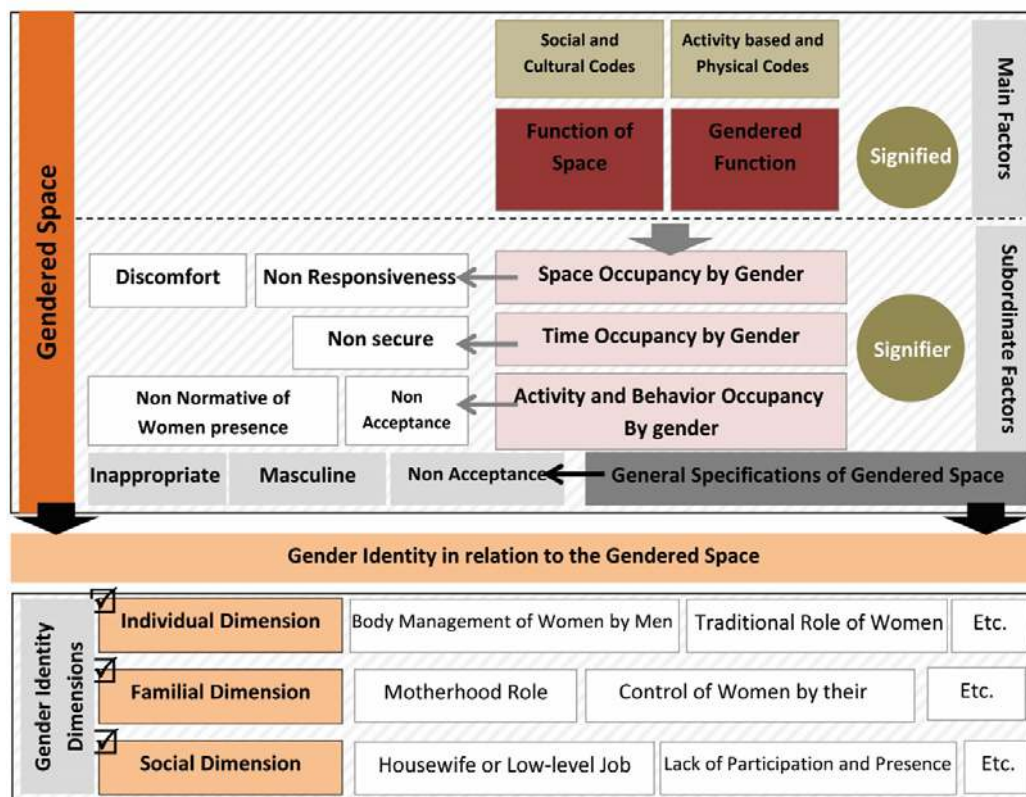


Fig. 3 Dimensions of gendered space and its influences on gendered identity

پی نوشت:

1. Discourse
2. Sense
3. Binary Oppositions
4. Markedness

۵. رمزا در ساده‌ترین سطح، نظام‌هایی برای تفسیر معانی انواع مختلف ارتباطاتی هستند که انسان در زندگی روزمره با آنها سر و کار دارد، بخش اعظم آنچه انسان در پیرامون خود، در فرهنگ خود مشاهده می‌کند، حامل پیام‌هایی است، اما به این دلیل که رمزهایی که انسان را قادر می‌سازند، معانی آنها را دریابد نمی‌داند، به آنها توجهی نمی‌کند یا اگر هم توجه کند، به غلط تفسیرشان خواهد کرد (برگر، ۱۳۸۵).
۶. تغییر از رویکردهای سنتی و کلاسیک به رویکردهای ساختارگرایانه در نشانه‌شناسی در اواخر دهه‌ی ۶۰، مرهون افرادی چون رولان بارت است (چندلر، ۱۳۸۶: ۲۸۰).

7. signification
8. significance
9. hermeneutic
10. prioretic
11. Codes of sense
12. symbolic
13. cultural
14. Gender
15. Sex

فهرست منابع:

- احمدی، ثریا؛ عقیلی، سید وحید و مهدیزاده، سید محمد (۱۳۹۴). تحلیل نشانه‌شناختی هویت جنسیتی در تلویزیون، زن در فرهنگ و هنر، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۱، صص. ۱-۱۶.
- اکو، امبرتو (۱۳۸۷). نشانه‌شناسی، ترجمه: پیروز ایزدی، نشر ثالث، چاپ اول، تهران.
- آبوت، پاملا؛ والاس، کلر (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی زنان، ترجمه: منیژه نجم عراقی، نشر نی، چاپ ششم، تهران، ۵.
- آلن، گراهام، رولان بارت (۱۳۸۵). ترجمه: پیام یزدانجو، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸.
- برگر، آرتور آ. (۱۳۸۵). نقد فرهنگی، ترجمه: حمیرا مشیرزاده، نشر باز، تهران.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۹۱). راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، انتشارات شهیدی، چاپ ششم، تهران، د.
- تانکس، فرن (۱۳۸۸). فضا، شهر و نظریه اجتماعی، مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری، ترجمه: حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۶۹.
- ترکاشوند، عباس و مجیدی، سحر (۱۳۹۲). بازشناسی برخی نشانه‌ها در فضاهای شهری، نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۶، صص. ۵-۱۵.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی، ترجمه: تورج یار احمدی، شیرازه، تهران.
- چندلر، دانیل (۱۳۸۶). مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه: مهدی پارسا، شرکت انتشارات سوره‌ی مهر، تهران، صص. ۲۵، ۱۵۸ و ۲۸۰.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۸). معرفی و نقد کتاب مکاتب زبان‌شناسی نوین در غرب، مجله دستور، شماره پنجم، صص. ۱۸۰-۲۰۶.
- رضایی، محمد و افشار، سمیه (۱۳۸۹). بازنامی جنسیتی سریال‌های تلویزیونی (مرگ تدریجی یک رویا-ترانه‌ی مادری)، زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۴، صص. ۷۵-۹۴.
- رنجبر، هادی و همکاران (۱۳۹۱). نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع، مجله علمی-پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، سال دهم، شماره ۳، صص. ۲۳۸-۲۵۰.
- سامانین، صمد و بهمنی، پردیس (۱۳۸۹). جستاری در استفاده از دیدگاه نشانه‌شناسی در طراحی محصول، نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۱، صص. ۳۷-۴۲.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۸). مسئله روش در نشانه‌شناسی: از روش‌شناسی اثبات‌گرا (پوزیتیویستی) تا روش‌شناسی پیداشی، در نشانه‌شناسی: نظریه و عمل، نشر علم، چاپ اول، تهران، ۱۱۴.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۷). نشانه‌شناسی کاربردی، نشر علم، چاپ اول، تهران، ۱۵۴.
- سفیری، خدیجه و محمدی، سیده عقیده (۱۳۸۴). هویت جنسیتی مادران و دختران، شکاف یا تفاوت؟ مجله‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۲، صص. ۱۰۷-۱۳۹.
- سلطانی‌گرد فرامرزی، مهدی (۱۳۸۵). نمایش جنسیت در سینمای ایران، مجله‌ی پژوهش زنان، شماره ۱۴، صص. ۶۱-۹۲.
- سوسور، فردینان (۱۳۷۸). دوره‌ی زبان‌شناسی عمومی، ترجمه: کوروش صفوی، چاپ دوم، انتشارات هرمس، تهران، ۹۶.
- صفوی، کوروش (۱۳۷۹). درآمدی بر معنی‌شناسی، انتشارات هرمس، تهران، ۱۲۳.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۰). گفتارهایی در زبان‌شناسی، انتشارات هرمس، تهران.
- صفینی، کامبیز و سلامی، مسعود (۱۳۹۰). توضیح و معرفی متدولوژی رمزگان پنج‌گانه‌ی رولان بارت با نمونه‌ی عملی از نمایشنامه‌ی فیزیکدان‌ها اثر فریدریش دورنمات، مطالعات نقد ادبی (پژوهش ادبی)، شماره‌ی ۲۴-۲۵، صص. ۹۹-۲۲۱.
- عرشی‌ها، مریم السادات و مدیری، اتوسا (۱۳۹۰). تأثیر فضاهای جنسیتی شده بر اساس امنیت زنان نمونه‌های موردی: میدان مادر و میدان راه آهن، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۳، صص. ۱۱۹-۱۴۱.
- علی‌نقیان، شیوا (۱۳۹۵). پرسیمان مسئله‌ی جنسیت در ایران، انسان‌شناسی و فرهنگ.
- غیاثوند، احمد (۱۳۹۳). تأثیر فضاهای شهری مدرن بر بازاندیشی هویت جنسیتی زنان، مطالعات جنسیت و خانواده، سال دوم، دوره‌ی اول، صص. ۷۹-۹۸.

- فرانک، فرزانه (۱۳۹۰). درآمدی بر تعامل مفاهیم جنسیت و فضا، صفه، دوره ۲۱، شماره ۵۳، صص. ۹۹-۱۱۰.
- کامل، آتنا (۱۳۹۵). فضای شهری و جنسیت، وب سایت فضا و دیالکتیک، (<http://dialecticalspace.com/urban-space-gender>).
- کوثری، مسعود؛ عزیزی، فرید و عزیزی، حمید (۱۳۹۳). بازنمایی زنان در تبلیغات تلویزیونی پودر لباسشویی پرسیل، فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی ایران، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۴، صص. ۱۸۹-۲۱۲.
- گلی، علی؛ زادولی خواجه، شاهرخ و زادولی، فاطمه (۱۳۹۲). ارزیابی نگرش جنسیتی در طراحی فضاهای شهری (مطالعه موردی: پارک بانوان شمس تبریزی)، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۱، شماره ۲، صص. ۱۷۱-۱۸۸.
- گیرو، پیر (۱۳۸۳). نشانه شناسی، ترجمه: محمد نبوی، نشر آگاه، تهران، ۳۹.
- مارشال، ماترین و راس من، گرچن ب. (۱۳۸۱). روش تحقیق کیفی، ترجمه: علی پارساییان و سید محمد اعرابی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ۱۹۷.
- مدنی‌پور، علی (۱۳۷۹). طراحی فضاهای شهری، نگرشی بر فرآیندهای اجتماعی - مکانی، ترجمه: فرهاد مرتضایی، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران، ۱۵.
- Baudrillard J (2005). The Systems of Objects, Translated by James Benedict, Verso, London, New York, 67.
- Canter DV (1997). A Psychology of Place, Architectural Press, London.
- Cuthbert AR (2006). Chapter Six: The form of the cities, Black well Publishing, United States.
- Day K (2000). The Ethic of Care and Women's Experiences of Public Space, Environmental Psychology, Vol. 20, pp. 103-124.
- Doan PL (2010). Gendered Space, Ray Hutchison, Encyclopaedia of urban studies, Thousand Oaks: SAGE, pp. 298-302
- Fiske J, Hartley J (2003). Reading Television, Oxford, Routledge, U.K, Vol. 24.
- Franck KA (2002). Women and Environment, Robert B. Bechtel, and Arza Churchman, Handbook of Environmental Psychology, John Wiley & sons, New York, pp. 347-362.
- Gehl J (1987). Life between Buildings: using public space, Island pres, Washington.
- Goffman E (1979). Gender Advertisement, Macmillan, London, Vol. 201.
- Kimmel M (1997). The Gender Society. Oxford University Press, Oxford.
- Kiritani O (2006). Culture, Information, and Selection, Journal of Literary Research online, Vol. 18, pp. 10-14.
- Krenichyn K (2004). Women and physical activity in an urban park: enrichment and support through an ethic of care, Journal of Environmental Psychology, Vol. 24, pp. 117-130.
- Landes JB (1998). Feminism, the Public and Private, Oxford University Press: New York, Vol. 38.
- Lawanga M (2001). Gender, Environment and Sustainable Development. Paper presented at Sustainable Development, Governance and Globalization Meeting: An African Forum for Strategic thinking Towards the Earth Summit 2002 and beyond, Nairobi, Kenya, Vol. 2.
- Lotman YM (1990). Universe of Mind: A Semiotic Theory of Culture, I.B. Tauris, London and New York.
- Massey D (1994). Space, Place and Gender, London and Minneapolis, University of Minnesota press, MN, Vol. 179.
- Montgomery J (1998). Making a city: Urbanity, vitality and urban design, Urban Design, Vol. 1, pp. 93-115.
- Punter J (1991). Participation in the design of urban space, Landscape Design, pp. 24-27.
- Rendell J (2000). Introduction: Gender, Space in Gender space architecture an interdisciplinary introduction, Rutledge, London and New York, pp. 15, 103.
- Rose G (1993). Feminism and Geography: The Limits of Geographical Knowledge, Polity Press, Cambridge.

